



سرمقاله

(سغنی یا سومین سمینار)

«عملزدگی» و «ضرورت کار ایدئولوژیک»

بپردازیم، تا مسائل مشترکمان را بازشناسیم، تا تجربیاتمان را برای یکدیگر بازگویی کنیم، تا صفوفمان را برپایه محورها و اصول مشترک متحدتر و فشردهتر سازیم و بالاخره تا سپاه نامنظممان را نظمی انقلابی بدهیم و....»

بدان امید که با پندگیری از کمی ها و کاستیها و با اندوختن تجربیات جدید و خصوصا ترسیم و تبیین اهداف مشخص تری حرکت خود را ادامه دهیم.

درحقیقت مسائل و مشکلات و نابسامانیهای بیشمار در جریان کار و عمل بر ما مشخص کرده و می کند که جز یکمک هم و با استفاده از تجربه، توان فکری و انرژی یکدیگر و جز یکمک یک جمع بندی همه جانبه در پرتو اهداف واحد و خط مشی مشخص و از رهگذر بکارگیری استراتژی و تاکتیکی واحد درقبال مسائل و مشکلات قادر نیستیم بجلو حرکت کنیم.

و این مسئله بطور ناخودآگاه ما را بر ضرورت یک سازماندهی منظم و ایجاد یک تشکیلات منضبط و آهنین فرا میخواند.

تجربیات و واقعیات نشان میدهد که هیچ نهضت انقلابی که جهت ایجاد دگرگونیهای بنیادین و اساسی در جامعه عمل می نماید بدون برخورداری از یک پشتوانه تشکیلاتی (۱) و مردمی قادر نخواهد بود تا به حیات خویش بطور پویا و مستمر ادامه دهد.

و جهاد نیز بعنوان یک نهاد انقلابی که رسالت بازسازی ویرانه های ستمشاهی را بر دوش گرفته است از انجام رسالتهایش بدون یک پشتوانه تشکیلاتی عاجز خواهد بود.

اصولا هر فرد و هر حرکتی اگر در جریان حیات خویش تحلیلی از نقاط قوت و ضعف خود نداشته باشد و اگر در پرتو یک تحلیل مشخص بسوی اهداف خویش حرکت نکند و در طول چرخش به تصحیح مداوم و مستمر نقاط ضعف خود نپردازد، بیشک مرحله ای بر او خواهد رسید که هر چقدر هم قوی و کارآمد و توانا باشد اما لاجرم در برابر کوه مسائل و مشکلات و ضعفهای درونی درهم خواهد شکست. و

بقیه در صفحه ۲

بسم الله الرحمن الرحيم
درآستانه برگزاری سومین سمینار سراسری جهادسازندگی هستیم و شاید زمانیکه این مجله بدست خوانندگان برسد. سمینار کار خود را آغاز کرده باشد.

اما اهمیت کار و نقش اساسی و بنیادینی را که سمینار میتواند در جهت رفع مشکلات و نابسامانیهای جهاد داشته باشد ما را بر آن میدارد تا در این رابطه چند کلمه ای صحبت کنیم.

حقیقت مطلب اینستکه هم در رابطه با نفس برگزاری سمینار، هم در رابطه با تجربیات سمینارهای قبلی و هم در رابطه با مسائل و مشکلات جهاد که ضروری است تا درآستانه برپائی سمینار مورد بحث و گفتگو قرار گیرد، سخن فراوان است. و اگر قرار باشد تا بهر کدام اشاره ای ناقص و گذرا شود، لاجرم مثنوی هفتادمن کاغذ خواهد شد. و از طرف دیگر پیچیدگی خاص هر مسئله ایجاب می کند تا در رابطه با آن سخن بطور مبسوط و گسترده گفته شود.

با این وجود نمیتوان به این بهانه سخن نگفت و اگر بشود مسئله را بطور بنیادی و اساسی مورد بحث و بررسی قرارداد، شاید که راه حلی برای دیگر مسائل و مشکلاتی که عموما زائیده یک سلسله علل و عوامل زیربنائی ترنمیز پیدا بشود. ما سعی می کنیم تا به اشاره و بطور بسیار مختصر به یکی دو محور از آنها اشاره کنیم و مصرانه از سمینار می خواهیم تا در رابطه با آنها بطور جدی و اساسی و همه جانبه تصمیم بگیرد. این دو محور برمیگردد یکی به مسائل تشکیلاتی جهاد و دیگری به مسئله عملزدگی در میان بچه ها که اگر بطور اساسی راه حلی برای آن اندیشیده نشود، بیم آن میرود که حیات جهاد دستخوش خطرات جدی گردد.

اگر اندکی به فلسفه گردهمانیهای سالیانه خود بیندیشیم و به علت وجودی سمینارهایی که هراز چند یک بار در سطح واحدها، کمیته ها و یا بطور عمومی تشکیل می شود خواهیم دید که «گردهم جمع می شویم تا به جمع بندی کارهایمان

در این شماره میخوانیم

* «عملزدگی» و «ضرورت کار ایدئولوژیک»

سرمقاله

- * ما آن روز عید داریم که مستمندان و مستضعفان ما به زندگی صحیح رفاهی و تربیتهای صحیح اسلامی و انسانی برسند (سخنان امام) صفحه ۴
- * رویدادهای ایران و جهان صفحه ۶
- * سومین گردهمانی سراسری جهادسازندگی صفحه ۸
- * معرفی در آستانه سقوط صفحه ۱۰
- * مصاحبه مطبوعاتی علیرضا افشار عضو شورای مرکزی جهادسازندگی صفحه ۱۲
- * گزارشی از فعالیتهای ستاد پشتیبانی جهاد گیلانغرب صفحه ۱۴
- * تا وقتی که سیستم اداری تغییر نکرده است، جهاد بایست ماند صفحه ۱۶
- * بازگشت امام به وطن: تجسم فتح مبین مکه!
- صفحه ۱۸
- * تاریخ مبارزات مردم مسلمان افغانستان در برابر هجوم بیگانه صفحه ۲۰
- * حیات (مالکیت از دیدگاه ایت الله شهید بهشتی) صفحه ۲۴
- * مأمور اجرای احکام اسلام باور درونی و وجدان است صفحه ۲۸
- * حکمت خدا، حکمت انسان صفحه ۳۰
- * جاسوسین و مراقبین، چشم حاکم برای کنترل کارگزاران صفحه ۳۲
- * گذران عمر، در جنگال بیرحم جدام صفحه ۳۴
- * هنر را دوباره معنا کنیم صفحه ۴۰
- * آشنائی با واحد گرافیک دفتر مرکزی جهادسازندگی (مصاحبه با برادر روحانی) صفحه ۴۴
- * دیدار از شهرک فجر صفحه ۴۸
- * نقش کمیته کشاورزی مراکز خدمات روستائی در ارائه خدمات فنی و اجرای طرحهای بنیادی صفحه ۵۰
- * گزارشی از جهاد بیمارستان نیروی هوائی صفحه ۵۲
- * جهادسازندگی مهاباد در خدمت محرومین کردستان (گفتگو با مسئول جهادسازندگی مهاباد) صفحه ۵۴
- * اخبار جهادسازندگی از سراسر کشور صفحه ۶۲

جهاد: ارگان جهادسازندگی
سال دوم شماره ۲۶ چهارشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۶۰ زیر نظر هیات تحریریه
تک شماره ۳۵ ریال
آدرس: تقاطع خیابان انقلاب دانشگاه، نیش خیابان دانشگاه ساختمان جهادسازندگی قدس طبقه سوم، دفتر مجله
مکاتبات: میدان انقلاب... دفتر مرکزی جهادسازندگی.
صندوق پستی ۱۳/۳۳۱
تلفن ۳-۶۶۷۶۸۱ (۲۳۹۱ داخلی) ۶۶۹۲۹۳ (مستقیم)
جهاد هر دو هفته یکبار منتشر میشود.
چاپ: از ایران چاپ

«عملزدگی» و «ضرورت کار ایدئولوژیک»

یک عامل اجرایی فاقد تفکر و اندیشه، یک جریانی است که از اساس با نظام زندگی انسان مسلمان در تضاد است. و تفکر اسلامی هرگز چنین شیوه و روندی را نمی‌پذیرد.

ما معتقدیم که انسان مسلمان و بخصوص در شرائط خاص انقلاب اسلامی وظیفه‌مند است تا بطور متناسب هم روحیات و معنویت خود را تغذیه نماید و هم جامعه را از توانمندیها و کار مفید خویش بهره‌مند سازد.

اگر این تعادل بهم بخورد و بهر طرفی که بهم بخورد، میتوان گفت که کاری خلاف مقتضیات طبیعی حرکت یک انسان صورت گرفته و در هر دو صورت ضرر دارد.

بعبارت دیگر اگر یکسره غرق در اندیشه و فکر و مطالعه و تحقیقات و غیره و ذلک شویم، بی آنکه آنرا در رابطه با جامعه و نیازهای آن قرار دهیم، تبدیل به یک عنصر ذهنی منزوی صوفی مسلک شده‌ایم که حاصل سیر و سلوکمان هیچ درد و مشکلی را از جامعه حل نمی‌کند.

و اگر برعکس تماما در کار اجرایی و مکانیکی فرو رویم، کارمان چون فاقد یک تحلیل و تبیین مشخص است باز هم هیچ دردی

آن نیز اجتناب ناپذیر است. با این وجود اگر جلو گرفته نشود به گونه‌ای جدی انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار میدهد. آفتی که روحیه انقلابی و تحرک و پویایی را رفته رفته از انسان بر

انتظار امام از جهاد و سپاه اینستکه

بیش از مسائل کاری و نظامی به مسائل مکتبی و ایدئولوژیک بپردازند.

میگیرد و او را در نظامی منجمد و ثابت استحال می‌کند. سم قاتلی که حرکتها و نیروهای انقلابی را عقیم کرده و نهضت و حرکت آنها را از هم می‌باند و نابود می‌کند.

عملزدگی یعنی آنکه یکسره در کار دنیا و اموری که نتایج زودرسی بدست میدهد غرق شدن و از پرداختن به مسائل فکری و معنوی که محرک و شتاب بخش حرکت انسان است غافل ماندن.

وقتی که انسان در رابطه با میزان تغذیه فکری و روحی خود با دیگر نیازها موازنه برقرار نمیکند و بعلت نداشتن یک تحلیل دراز مدت و واقعی از ملزومات حرکت اعتقادی و مکتبی

حرکتهای اجتماعی در برابر چنین سرنوشت محتومی هیچ گریزی ندارند جز آنکه به تبیین اهداف مشخص نشسته و در پرتو یک سازماندهی منضبط آن اهداف را تعقیب نمایند.

جهاد نیز از این قاعده و قانون مستثنی نیست. اگر اساس سازماندهی و تشکیلات خود را بگونه‌ای قرار داد که در آن تمام اجزاء برخوردار از یک ایدئولوژی و استراتژی واحد، هر کدام در جایگاه واقعی خود قرار گرفته و با تصحیح مداوم ضعفهای مجموعه بسوی هدف واحد سیر نمایند میتواند هر روز پرتوان تر و با انرژی بیشتری در جهت تحقق امال و ایده‌آلهای خویش حرکت کند. و اگر برعکس به اینهمه ملزومات اساسی و عناصر اصلی یک کار تشکیلاتی و دراز مدت بی‌اعتنا بماند، لاجرم گذشت زمان آن را از هم متلاشی کرده و یا از مسیر اصلیش منحرف میگرداند.

در رابطه با تشکیلاتی شدن نیروهای پیرو خط امام بکرات سخن گفته‌ایم و خصوصا در مقاله «حزب ا... باید تشکیلاتی شود» دلایل و علل آنرا بطور کلی بر شمرده‌ایم و شرح بیشتری را در اینجا ضروری نمیدانیم. اعتقادمان اینست که نیروهای جهاد بدون برخورداری از یک پشتوانه تشکیلاتی (که لزوما پشتوانه مکتبی و ایدئولوژیک را هم در متن خود دارد) و بدون تبعیت از اصل خدشه ناپذیر نظم انقلابی قادر نخواهند رسالتهای خود را در قبال انقلاب اسلامی بانجام رسانند.

از اینرو ضروری است تا این مسئله بطور مبسوط و مفصل در سمینار مورد بحث و گفتگو قرار گیرد و همگان ملزم شوند تا در جهت تحقق آن پیگیریهای لازم را بعمل بیاورند.

از این مسئله که بگذریم به مسئله بعدی میرسیم که اتفاقا چندان هم بی‌رابطه با آنچه که تا بحال گذشت نیست. و آن مسئله «عملزدگی» است که نه تنها مشکل جهاد و دیگر ارگانها، بلکه مشکل عمومی جامعه ماست که البته بخشی از

عملزدگی روحیه انقلابی و تحرک و پویایی را از انسان برمی‌دارد و او را در نظامی ثابت و منجمد استحال می‌کند. و سم قاتلی است که حرکتها و نیروهای انقلابی را عقیم کرده و نهضت و حرکت آنها را از هم می‌باند و نابود می‌کند.

را از جامعه دوا نکرده و تنها بسود طبقات خاصی تمام می‌شود.

و لذا انسان مسلمان، انسانی است که بتواند بین این دو نیاز یک رابطه منطقی برقرار کند.

بهرتر است مسئله را کمی عمیق تر بررسی کنیم و اصولا بینیم ضرورت کار فکری و فرهنگی و خصوصا کار روی مبانی اساسی ایدئولوژی و مکتب بطور مستمر و مداوم از چه تحلیلی ناشی می‌شود و اصرار ما بر لزوم ایجاد

جهاد

یکسره غرق در امور روزمره و جاری میگردد. رفته رفته مهره‌ای می‌گردد که در یک دستگاهی که دیگران آن را می‌چرخانند بی‌اراده بکار گرفته می‌شود. در اینجا در مرحله‌ای اگر فرد بخودش فکر کند خواهد دید که اصلا نمیداند چه می‌کند و چرا؟ تنها احساس می‌کند که موظف است تا کاری را بانجام رساند! یعنی مرحله‌ای که فرد «الینه» می‌شود و هویت انسانی‌ش مسخ میگردد. این شیوه غرق شدن در کار و مبدل شدن به

یک حرکت فکری و ایدئولوژیک و آموزش مستمر اعضای جهاد از کجا ناشی می‌شود؟ شکی نیست که حرکتها، رفتارها و کنشهای هر فرد مبتنی بر نوع جهان بینی و مجموعه ارزشهای است که آن فرد بدانها معتقد است. حال این ارزشها چه مثبت باشد چه منفی فرقی نمیکند. مهم آنستکه هر فرد به گونه‌ای زندگی می‌کند که معتقد است باید برآن اساس زندگی کرد.

انسان‌ها اصولا بر مبنای جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌هایشان زندگی می‌کنند. حال ممکن است کسی بپندارد که جهان هیچ در هیچ است و باید دم غنیمتی زندگی کرد و یا ممکن است جهان را بگونه‌ای ببیند که فکر کند لحظات و فرصت‌ها سرعت دارند از دست می‌روند و یک لحظه را نیز نباید از دست داد. اما بهر حال براساس شیوه تفکرشان عمل می‌کنند.

انسان مسلمان نیز بر اساس مجموعه برداشتهای و معتقدات خویش نسبت به هستی و خداوند و ارزشهای ناشی از ایمان به غیب، بالطبع شکلی خاصی از زندگی را پذیرا میشود و شکی نیست که اگر انسانی بواقع بخواهد مومن، مسلمان و مکتبی باشد و رفتارها و اعمالش تماما تابعی از

نیست نه میتواند وجود داشته باشد و نه قادر به هیچگونه رفتار و عکس‌العملی میباشد. بنابر این وقتی صحبت از حرکت مکتبی میشود. لزوما مسئله شناخت مکتب نیز مطرح میگردد و شناخت مکتب جز بطور مستمر و مداوم معنا ندارد. چرا که مسئله شناخت امری نسبی است و طی طریق از انسان لجنی و شیطانی تا انسان خلیفه خدا سلوکی طولانی و بلند مدت می‌طلبد.

داشته باشیم. وقتی جهاد رسالت خود را در وهله اول کار فرهنگی میدانند و برای خود مضمونی ایدئولوژیک و مکتبی قائل است و معتقد است که فلسفه وجودی اش را ساختن انسانهای انقلابی و انتقال فرهنگ انقلابی اسلام به روستا تشکیل میدهد. پس لاجرم خود باید از توانمندیهای لازم و کافی در زمینه های انسان سازی، خودسازی و فرهنگ سازی جوامع برخوردار باشد و در این



گذر لزوما بایستی در وهله اول تمامی عناصر و پرسنل جهاد از این توانمندیها برخوردار گردند. در حقیقت همانطور که امام میفرمایند تا انسانی خودش تربیت نشده باشد نمیتواند دیگران را تربیت کند و انسانی که خودش را نساخته باشد قادر نیست تا مربی خوبی برای دیگران باشد. بدیهی است که ما نیز اگر فاقد آگاهیهای لازم بر مفاهیم و مبانی مکتب اسلام باشیم قادر نخواهیم بود تا آن را جایگزین فرهنگهای جاهلی و شرک امیز گردانیم.

در حقیقت بمصداق «مقدمه واجب نیز واجب است» (۴)

و جوب انسان سازی و جامعه سازی و تغییر و تحول فرهنگی جامعه بدست جهاد که امام بدان فرمان داده‌اند ایجاب میکند که خود بچه های جهاد نیز بر این مسائل وقوف کامل پیدا کنند. متأسفانه بعلت فشار عظیم کار اجرایی و خصوصا بعلت غیر تشکیلاتی بودن جهاد چنانکه باید و شاید به این مسائل توجه نشده و هم اکنون بعلت عملزدگی بچه ها ضعفهای بسیاری در این زمینه مشاهده میشود.

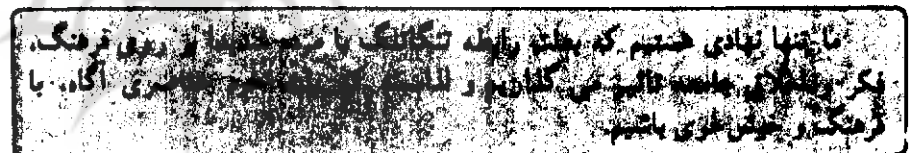
ضعفهای زیادی که قصه تلخ آن در سمنار سال گذشته و در کمیسیون فرهنگی جهاد بطور مفصل صحبت شد. بنظر ما این مسئله، مسئله کوچکی نیست که با شکوه و گلايه بدان اشاره شود و بعدا فراموش گردد. بلکه مسئله‌ای است که با حیات جهاد بعنوان یک نهاد انقلابی رابطه‌ای تنگا تنگ دارد.

کم توجهی به این موضوع میتواند جهاد را به وادی هلاکت و نابودی اندازد و آنرا فاقد معنا، محتوی و روح اولیه‌اش بگرداند

این رسالتی است بر دوش همه ما برخیزیم و برای این مسئله فکری بکنیم.

بنظر ما مسئله آموزش ایدئولوژی اسلامی در جهاد باید امری واجب و الزامی تلقی شود و بقیه در صفحه ۷۵

وقتی که حسین (ع) در دعای عرفه به تاکید از خدا میخواهد که بر شناخت او بیفزاید، فهمیده میشود که قرار گرفتن در چنان مرتبتی از علم و دانش و ایمان و آگاهی باز هم انسان را از کسب معرفت بیشتری نیاز نمیسازد. یا چنین برداشتی از مسئله حرکت مکتبی و کسب آگاهی و شناخت در زمینه های اعتقادی معلوم میشود که مسئله امر مستمری است و حرکتهای خالی از چنین مشخصه‌ای، حرکتهایی کور و فاقد معنی و



ارزش هستند. ایمان و آگاهی تنها عنصری است که میتواند حرکت آگاهانه و صحیح یک نهاد و نهضت و جمع را تضمین کند و آنها را از مضمون انقلابی برخوردار گرداند، و محرکه های نهضت را بر عناصر معنوی و ارزشمند قرار داده از بروز و تجلی مادیات جلوگیری نماید. از این

وقتی صحبت از حرکت مکتبی می‌شود لزوما مسئله شناخت مکتب نیز مطرح میگردد و شناخت مکتب نیز جز از طریق کار مستمر و مداوم معنی ندارد.

رو وقتی که مدعی هستیم «جهاد سازندگی نهادی مکتبی و ایدئولوژیک بوده و هدف اصلی خویش را بر اساس رهنمودهای امام، خودسازی، ساختن انسانهای انقلابی و انتقال فرهنگ انقلابی اسلام به روستا قرار داده است (۳) وظیفه مندمیم تا با پبای کارهای اجرایی و انجام اصلاحات عمرانی در جامعه به عنصر ایدئولوژی و فکر بمثابة یک واجب عینی توجه

دستورات مکتب اسلام، لاجرم می‌بایستی مکتب اعتقادی خودش را باز شناسد. والا بدون شناخت فرامین یک مکتب و مذهب نمیتوان آنها را پیرو بود. عبارت بهتر مسئله ایمان و شناخت فرد با یکدیگر رابطه‌ای تنگا تنگ و گسست‌ناپذیر دارند که بدون یکی دیگری ناممکن است. و هر دو در باروری یکدیگر تاثیر متقابل دارند (۲).

توضیح اینکه چگونه میتوان از ایمان فردی نسبت به چیزی صحبت کرد که نمیداند چیست؟ ایمان به خدائی که نمیدانیم چیست و امامی که نمیدانیم کیست و به پیامبری و مذهبی که نمیدانیم چه میگوید... چه معنایی میتواند داشته باشد؟

به همین علت وقتی ما صحبت از حرکت مکتبی میکنیم و مدعی هستیم که میخواهیم مکتبی عمل نمائیم لزوما می‌بایستی مکتبمان را بشناسیم.

در حقیقت این مکتب ماست که همچون شمعی ما را در تاریکیها و ظلمات راه مینمایاند و به پیش میرود. اصولا انسان فاقد مکتب، انسان فاقد شناخت و انسانی که به هیچ ارزشی معتقد

«عملزدگی» و...

همگان موظف باشند تا در کلاسها و برنامه هائی که به این منظور تشکیل میگردد شرکت جویند. ما نباید فراموش کنیم که امام از ما و برادران سپاه انتظارشان اینست که بیش از مسائل کاری و نظامی به مسائل مکتبی و ایدئولوژیک بپردازیم. ما نباید فراموش کنیم که اگر ضعف در سازماندهی و برنامه ریزی جهاد منجر به استحاله و بی محتوی شدن عناصر مخلص و پاک نهادی شد که به عشق خدمت به انقلاب اسلامی و ساخته شدن خودشان به جهاد آمده بودند همگان مسئولیم و باید پاسخگو باشیم.

ما اگر به بقای جهاد فکر میکنیم و به حیات آن در چشم اندازی دور و وسیع مینگریم باید بدانیم که اگر اعضای جهاد فاقسد چنین مشخصه ای گردند این نهاد انقلابی دوام نخواهد یافت.

آنچه که میتواند انگیزه های معنوی افراد را حفظ کند و همچون نیروی محرکه ای آنها را به کار و تلاش عاشقانه وادار کند. کشش های اعتقادی و فکری است. و جهاد هم از نقطه نظر حفظ انگیزه های اعضاء خود و هم از نظر جذب عناصر جدید میبایستی تا از چنین خصوصیتی برخوردار باشد.

جهاد باید همواره بصورت نهادی بماند که افراد و اشخاص بر اساس انگیزه های معنوی و از موضع خدمت به انقلاب اسلامی و توده های مستضعف جذب آن شوند. و اگر خدای نا کرده نهائی شود که افراد و پرسنل آن بجهت کسب معاش و پیدا کردن کار پدان روی میآورند میتوان گفت که موجودیت آن بعنوان یک نهاد

انقلابی در معرض خطر قرار گرفته است. یکی از دوستان تعریف میکرد و میگفت که شخصی به انگیزه کار فرهنگی به یکی از نهادها مراجعه کرده بود. مسئول پذیرش آن نهاد به آن شخص گفته بود که «اگر برای کار فرهنگی کردن اینجا آمده ای برای شما کار نداریم. ولی اگر صرفا بجهت کار آمده باشی برای شما در بخش فرهنگی هم کار پیدا میشود!

البته شکی نیست که چنین فردی نمیتواند معرف هیجیک از ارگانها و نهادهای انقلابی خدمتگزار جمهوری اسلامی باشد. و حتما آن فرد نیز از یک موضع کاملا غیر مسئولانه چنین سخنی بر زبان رانده است.

اما غرض از طرح این مسئله هشدار این نکته است که نکند از رهگذر بی اعتنائی به مایه های ایدئولوژیک ارزش ها اینچنین عوض شده و گاه تا ۱۸۰ درجه تغییر مسیر دهد.

چنین فاجعه ای جامعه ما را دچار یک انحطاط فرهنگی میکند و جهاد را نیز. و تمام نیروهای خط امام رسالت دارند تا بپاییزند و از چنین سقوطی جلوگیری نمایند. خواهران و برادران!

ما پیکها و پیام اوران انقلاب اسلامی در روستاها و در متن جامعه هستیم. ما تنها نهادی هستیم که بعزت رابطه تنگاتنگ و گسست ناپذیرمان با مردم. شدیداً بر روی فرهنگ، فکر و اخلاق جامعه تأثیر می گذاریم. و لذاست که باید خود عناصری آگاه، با فرهنگ و خوش خوی باشیم.

از طرف دیگر اگر کار فکری و

ایدئولوژیک در جهاد سیلان نداشته باشد بیم آن میرود که بجهت ما در برابر موج تهاجم فرهنگی بیگانه و تفکرات الحادی و التقاطی دچار لغزش و انحراف شوند. حفظ بجهت ما در خط واقعی اسلام راستین بما حکم میکند که خط فکر و اندیشه و معنویت را همچنان در جهاد زنده نگه داریم. تالاجرم جامعه از افتادن در خط انحراف مصون بماند. چرا که نیروهای جهاد نزدیکترین نیروها به مردمند و اصولاً خود «مردم» اند.

با توجه به آنچه که رفت و دلائل بشمار دیگری که بر ضرورت آموزش مبانی مکتبی و اعتقادی در میان اعضای جهاد حکم میکند. سمینار باید بطور جدی این مسئله را طرح و راجع به آن تصمیم مقتضی بگیرد. باشد که از رهگذر چنین تصمیمی روح تازه ای در کالبد جهاد دمیده شود و جهادگران بتوانند با انرژی و شتابی دو چندان به انجام رسالتهایشان بپردازند. «انشاء الله...»

پارقیها:

(۱) در اینجا وقتی از تشکیلات صحبت می کنیم لزوماً بشتوانه ایدئولوژیک آن نیز باید در نظر گرفته شود. والا بوجود آوردن تشکیلات منهای ایدئولوژی بی معنا و بوج و نامسکن می نماید.

(۲) ان تقوا الله يجعل لکم فرقانا. اگر تقوی الهی را پیشه کنید خداوند به شما نیروی شناخت حق و باطل را خواهد داد

(۳) اولین ماده قطعنامه اولین سمینار سالیانه جهادسازندگی

(۴) مثلاً وضو که امری است مقدم بر نماز به جهت اینکه نماز امری است واجب، واجب است.

هماهنگی بین...

که باید و شاید به فعالیت هایش ادامه دهد، اما باعزل بنی صدر که در نتیجه آن در مدیریت بیمارستان تغییر داده شد و با همکاری برادران، این واحد توانست سرعت رشد پیدا کرده و فعالیت کند.

یکی از مشکلاتی که اینجاست کمبود پزشک و کادر متخصص است. ما در حال حاضر در خود بیمارستان کادر پزشکی کم داریم و تعداد افرادی که حاضرند که به مناطق دور افتاده اعزام شوند کم می باشند. البته تصمیم بر این است که هر جایی که میرویم به نیروهای همانجا تعلیمات لازم داده شود تا احتیاج نباشد برای هر منطقه ای نیرویی از جایی دیگر فرستاده شود و برای این

منظور کلاسهای آموزشی نیز گذاشته شده است. از طرف دیگر ما با کمبود دارو روبرو هستیم. داروهایی که مردم برای ما می فرستند خیلی مفید واقع شده است و اکثر این داروها در بازار یافت نمی شود و ما از مردم میخواهیم که این کمک خود را به ما قطع نکنند و ما را همچنین یاری دهند. دیگر از درخواستهای ما تشویق کادر پزشکی است که اخیراً از طریق رادیو تلویزیون و مطبوعات کمتر انجام میگردد.»

همچنین برادر توکلی مدیر بیمارستان نیروهوانی نیز با اشاره به فعالیتهای واحد جهاد بیمارستان میگوید:

«برادران و خواهران ما در این واحد بدون هیچ چشمداشتی در فعالیتهای جهاد همکاری میکنند و برادران پزشک ما نیز در این رابطه همکاری فراوان کرده اند و ما هم نیز در هر زمانی هر چیزی که خواستند در حد مقدرات بدون هیچ معطلی در اختیارشان گذاشته ایم خوشبختانه در این بیمارستان مهمترین مسئله ای که وجود دارد هماهنگی است به این صورت که انجمن اسلامی، قسمت سیاسی ایدئولوژی، جهاد و... همه یکی هستند. وقتی میگویند رئیس همه رئیسند وقتی میگویند جهاد همه باهمند و این بزرگترین مزیت است که باعث پیشرفت کارها نیز میشود»